اداره مخطوطات



فیلمتک

سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی



باز بین شد
۱۳۵۳ خ

عکس و فیلم تهیه شد

کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب اخلاق ناصری فارسی و چند رساله در اخلاق

مصنف خواجه نصیر طوسی

مؤلف

خطی نستعلیق ۱۸ سطری

چاپی

سال طبع یا تحریر ۱۰۰۰ عدد اوراق ۲۸۰

جزء کتب اخلاق شماره ۸۷

شماره عمومی ۳۵۰۴ شماره قبض

واقف میرزا رضاخان نائینی تاریخ وقف برداد ۱۳۱۱

طول ۳۰ عرض ۱۹ سانتیمتر قفسه

سال ۱۳۱۸ خورشیدی
باز بینی شد

فهرست کتب مذکور





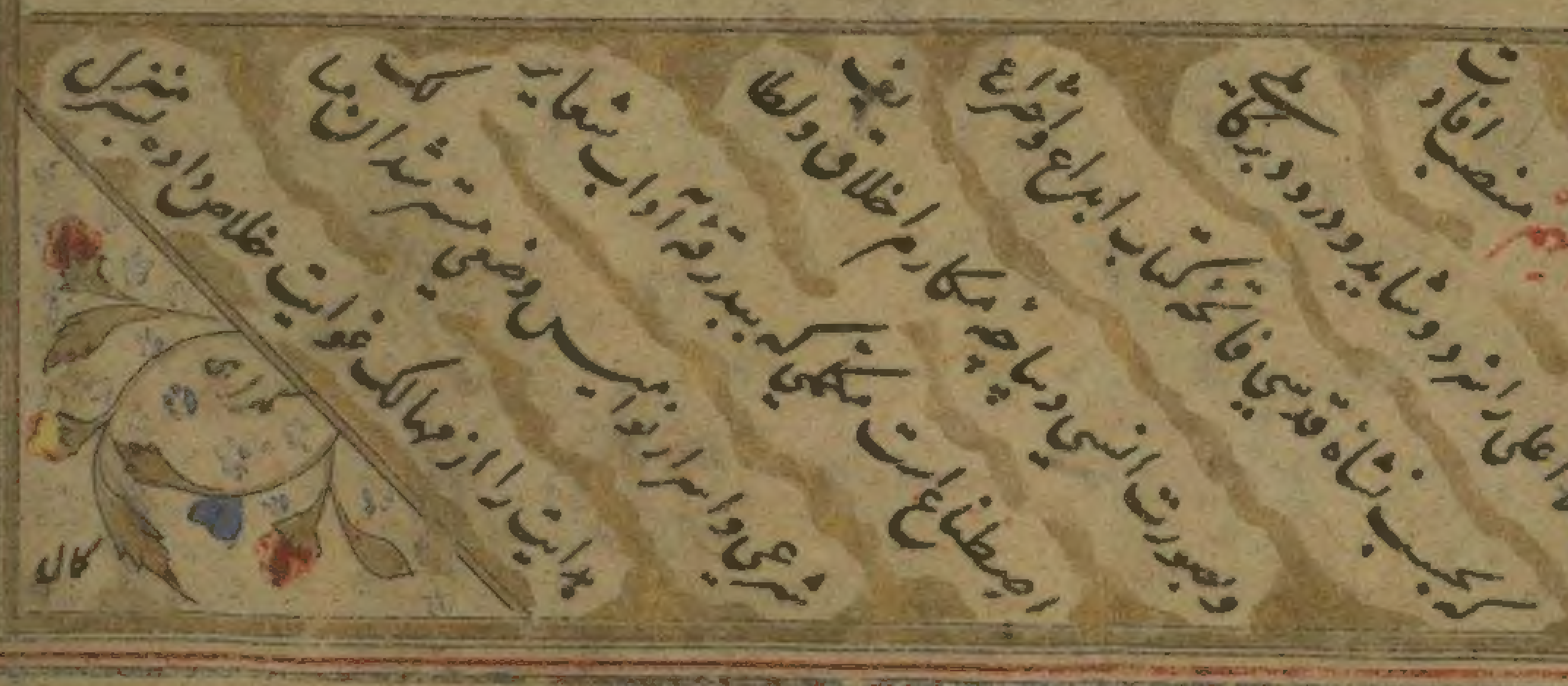
بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

حمد بيحد و مدح بيعد لايق حضرت عزت مالك الملكي بود كه همچنانكه در بدو فطرت اولي وهو الذي يبدأ الخلق كه حقايق انواع را از مطالع ابداع بري آورد و ميولي انسان را كه سمت عالم خلقي داشت چهل طور در مدارج استكمال از صورت بصورت و از حال بحال بگردانيد كه خمرت طينة آدم بيدي اربعين صباحا تا چون بنهايت تربيت رسيد و اثر حصول شايستگي قبول در وي بديد آمد خلعت صورت انساني را كه طراز عالم امري داشت كه ويلقي الروح من امره بيك دفعه كه وما امرنا الا واحدة بر طريق كن فيكون كلمح البصر او هو اقرب در وي پوشانيد تا وجود اول او رقم تمامي يافت و نوبت تكوين بكون ثاني رسيد و مستعد تحمل امانت رباني گشت كه ثم انشاناه خلقا آخر باز از بدو فطرت در عود نشأت ثم نعيده معنوي انسان را كه مبدأ وجود صورت نوعيت اوست در انجا يعني در بدو وجود بيك لمحه يافته بود در تعليم گاه علم الانسان ما لم يعلم و كارخانهٔ اعملوا صالحا بتجريد ذات و تهذيب صفات و ترقي در مدارج كمال و تجلي بصوالح اعمال سال بسال بل حالا فحالا از مرتبه بمرتبه

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین
افتتاح کلام بنام واجب الاعظام سلطانی سزد که بامر نافذ ازلی جنود مجندهٔ اعیان ممکنات را از مسجن عدم بدار الملک وجود متوجه ساخت و منشور خلافت کبری بنام آدم خاکی فرو رقم عنایت گردانیده او را بحلهٔ خلعت



اصطفا و تشریف خلافت و اجتبا بنواخت
صبحی که لوح فطرت انسانی را از نقوش صور
اسما مرتسم ساخته و رکن زکابلیت بنفس ناطقه بنیاد
و علم آدم الاسماء کلها
تا چون بمقتضای ... وقایع حکمت
حقایق اسما و صفات لم یزلی ... بر معارج معارف علیه
علمی و عملی بتحصیل ... ملکوت
و ملکات ... منصب افادت
بمکابر قال یا آدم انبئهم باسمائهم
منتهیان ملا اعلی ... درود ... تحیت
ترکیب ... کتاب ابداع و احرع
و صورت انسی ... مکارم اخلاق و لطایف
اصطناعات ... شمایل
شرعی و اسرار ... منتشر گردانید
... از ممالک ... مرکز



واین باقی بدانکه رنج مردم از سه چیزست از وقت پیش میخواهند واز قسمت
پیش میخواهند وازان دیگرانرا ازان خویش چون روزی تو از دیگران جداست
پس این رنج بیهوده چراست پنج چیز نشان بدبختیست بی شکری در نعمت بی
صبری در نعمت بی صبری در محنت بی رضا بودن در قسمت کاهلی در خدمت بی
حرمتی در صحبت مهر از کیسه بردار و بر زبان نه و مهر از درم بردار و بر ایمان نه
وآنها که خدای را بشناختند بعرش و کرسی نپرداختند اگر پایی داری در بند
او دار و اگر سری داری در کمند او دار الهی این چه فضلست که با دوستان
خود کرده که هر که ترا یافت ایشانرا شناخت و هر که ایشانرا شناخت ترا یافت
الهی هر که را خواهی که برافتد او را مجد کنی که تا با دوستان تو در افتد الهی اگر
ترا باید عبدالله همه آن کند که شاید الهی دُر اصطفا در دامن آدم ریختی و
گرد عصیان بر فرق ابلیس تو بیختی از روی ادب ما بد کرده ایم اما حقیقت
آنست که تو فتنه انگیختی آه آه از تفاوت راه دو آهن از یک کارگاه یکی
نعل ستوران و دیگری آیینهٔ شاه بهشت را بهانه می دهند اما ببهانه می دهند
روزگاری او را می جستم خود را می یافتم اکنون خود را می جویم او را می یابم اگر
درآیی در بازست و اگر در نیایی حق بی نیازست الهی چون آتش فراق داشتی
با آتش دوزخ چه کار داشتی الهی خواندی تاخیر کردیم فرمودی تقصیر کردیم
الهی هم نادانیم و هم ناتوانیم اگر برانی از درانیم و اگر بخوانی در آرزوی
آنیم الهی اگر مجرمم مسلمانم و اگر گناهکارم پشیمانم الهی جمال تراست باقی

الهی این چاشنی که دادی تمام کن و این رفق که با ما کردی
مدام کن بجود و کرمک یا
ارحم الراحمین